

تصویر زشت یک باغ

گزارشی درباره وضعیت باغ وحش مشهد که اگرچه داخل آن اصلاحاتی انجام شده است، نمای بیرونی اش خوشایند نیست



نگار: سید گل اشهرار

حیوانات، آشغال ها و دود قلیان

اسب کرابه ای داخل باغ وحش زیاد است. بچه هایی که هیجان سوارشدن دارند و صاحب اسب که بازار گرمی می کند؛ هر سواری ۷۰ تومان. تورم بیرون و داخل باغ مشخص است. حتما تفاوت مغازه های خوراکی داخل و بیرون هم همین است. برای دانستن قیمت، سرزدن به آن ها کافی نیست، چون تاسفارش ندهم لیست قیمت و خوراکی ها را در اختیارم نمی گذارند. راستی اینجا قلیان هم عرضه می شود.

می گویم: بچه حتما در تلویزیون دیده حیوان چطور غذا می خورد. به علاوه اگر کمی منتظر بمانید شاید غذا خوردن این ها را هم ببینید. پسر بچه بدون توجه به حرف های ما پدرش را صدا می زند: بابا بیا او مدمن. دوباره براشون تخمه بنداز.

دیگر به سؤالاتم پاسخ نمی دهند، خودشان هم متوجه شدند رفتارشان جوابی ندارد. صدای همه همه مسافران برای سوارشدن به

پوست هندوانه می افتد چند لحظه ای معطل می مانم که واقعا مسافری زحمت هندوانه را به خودش داده که داخل قفس ببندازد؟ و این بار جواب منطقی برای سؤالم پیدا نمی کنم. از آن خانواده که می گویند از کرمان آمده اند، می پرسم چرا برای حیوان خوراکی می اندازند و پدر پاسخ می دهد: قشنگه. ما هر وقت باغ وحش می ریم برای حیوانات غذایی بریم. بچه دوست دارد ببیند حیوان چطور غذا می خورد.

«بابا از بالای قفس براش بنداز، آفرین». «به بادوم دیگه بده». زن و شوهر هستند با یک پسر بچه که هنوز به سن مدرسه رفتن نمی رسد. هرسه تلاش می کنند خوراکی ها را به داخل قفس شامپانزه ها بیندازند. هر چند که قفس دوردیف نرده دارد و یک متری میانشان فاصله است اما از زباله هایی که از تفک و تخمه روی زمین ریخته معلوم است خیلی هم مانع بزرگی برای مسافران نیست. وقتی چشمم به

«۵۰ تومن مگه چقدره؟ هرکی می خواد سوار شه. من پول بده نیستم». سروصدایشان زیاد است. هم کسی که افسار اسب را گرفته، هم آن خانواده هفت نفره. لبهجه شان طوری نیست که میان صداها گفته هایشان مفهوم باشد. گاهی زن و بچه ها با صاحب اسب داد و بی داد می کنند و گاه با پر خاشگری او چند متری عقب می روند. کشمکش چند دقیقه ای ادامه پیدا می کند و بعد انگار از کلمات رکیک صاحب اسب و تهدیدهایش ترسیده باشند. از آنجا دور می شوند بدون اینکه پولشان را پس گرفته باشند. اما مرد که سوختگی آفتاب روی صورتش مانده با خودش و با صدای بلند غر می زند: «اول پول می دن بعد می گن بچه می ترسه. خب بنترسه به من چه؟ یکی دیگه سوار بشه. من که نمی تونم پول برگردونم». این را باید خوشامدگویی ورودی باغ وحش به حساب بیاورم. همان خیابانی که با حجم خودروهای پارک شده به اندازه ردشدن یک ماشین جا دارد و خودروهای شخصی و عمومی پشت سرهم مسافر می آورند و همان وسط پیاده که نه، رها می کنند. قرار است از باغ وحش گزارش بگیرم. اما ورودی باغ وحش همان جا نگهم می دارد مثل دوسال پیش و دوسال قبلش.



روزانه نگار
تکنم جاوید

ملغمه اسب و فال گیر و فروشگاه

منظره وکیل آباد تا جایی قشنگ است که به ورودی باغ وحش نرسیده باشید. به محض اینکه می پیچید به سمت باغ، ناگهان بد جور ناپسامانی اش توی ذوقتان می زند. این همه زمین خاکی و مغازه هایی که نگاه صرف در آمد زایی شان حال بیننده را بد می کند، اسب هایی که دور تا دور مسافران می چرخند و راننده هایی که «تا کسی» را داد می زنند. یک جور شلوغی زشتی دارد این وضعیت. یکی انگار گیجت می کنند تا پول جمع کنند. یکی از صاحبان اسب ها که می بیند همراهی ندارم به تصور اینکه قرار است مسافر بیاورم دنبالم می کند تا مبالغ را بگوید و قانعم کند قبل از آمدن به او زنگ تا اسب خوب بیاورد، «اگه فقط برای یک سواری کوتاه باشه ۵۰ تومن. برای گرفتن یک فیلم کوتاه برای اینستاگرام که لایک بخوره ۱۵۰. هرچی بیشتر پول بدی، می دارن بیشتر بچرخن. اما مسافرای اینجا پول بده نیستن. همون ۵۰ رو به زور می دن عکسم می گیرن».

یکی از آن ها که پسر نوجوانی است می گوید: اینجا شانزده یا هفده اسب هست. عصرها که می دانند باغ وحش شلوغ تر می شود همه هستند، روزها کمتر. البته تا بستان حتی صبح ها هم می آیند. حرفمان تمام نشده که سروکله دو زن پیدا می شود. از لباس پوشیدنشان معلوم است فال گیر هستند. یکی شروع می کند به حرف زدن پشت هم: «به خبر خوب به زودی بهت می رسه. به نیت داری انجامش بده خوبه...». نمی گذارم تمامش کند. قیمت می پرسم:

برای من که دوسال پی هم برای گزارش به باغ وحش سرزده بودم تفاوت نظافت و رسیدگی ها معلوم است و نیازی به جست و جوی زیاد ندارد. قفس های زیادی مناسب سازی شده و ظاهر زیباتری پیدا کرده و به جز قفس میمون ها که مسافران آن را زشت کرده اند اثری از آشغال و مواد غذایی در قفس های دیگر دیده نمی شود. حتی سالن خزندگان هم اوضاع بهتری دارد و بهسازی شده است. جواد رستمی، مدیر باغ وحش است و ۶۳ سال از ۶۷ سال عمرش را در آنجا گذرانده است. به قول خودش از کودکی همراه پدرش می آمده است، بعضی از حیوانات را به خانه خودشان می برند و «این ببرها توی رختخواب من بزرگ شدند. چون ببر بچه خودش را شیر نمی دهد من هر توله را که به دنیا می آید به خانه خودم می برم و مدتی مراقبت می کنم تا قابل نگهداری در قفس باشد».

بر اساس آمارهای او حدود ۸۶ نوع و بیش از ۸۰۰ حیوان در باغ وحش مشهد نگهداری می شوند که این عدد نسبت به دیگر باغ وحش های کشور بیشتر است: «هم تعداد و هم حیوانات»

اگر در باغ وحش را می بستم به نفعم بود

است هم مجموع حیوانات، چند سالی هست در این تعداد باقی مانده ایم». به همراه او دامپزشک مجموعه باغ را دور می زنیم تا کنار قفس ها به سؤالاتم پاسخ بدهند. او درباره دلیل نگاه منفی مردم به باغ وحش وفوت و بیمار شدن حیوانات می گوید: زنده بودن همیشگی حیوانات معنی ندارد. مگر در بین انسان هایمانی و مرگ و میر شایع نیست؟ خب حیوان هم یک گونه موجود زنده است. چرا تصور می کنند حیوان هیچ وقت نباید مریض شود؟ کافی است امروز خبر برسد که یک حیوان سردرد شده آن وقت همه خبرنگاران اینجا هستند. خبر بیماری «ریشا» شیر باغ وحش وقتی منتشر شد که هنوز تحت درمان بود یا عکس سنگ نمک را منتشر کرده بودند با این عنوان که دارند به حیوان یخ می دهند و اینجا غذا نیست و حیوانات در حال تلف شدن هستند.

او ادامه می دهد: سازمان های مراقبتی مثل محیط زیست چند روز در هفته اینجا هستند. چطور به یک حیوان غذایی دهیم، اما بقیه چاق و سر حال هستند؟ من می توانم

به حیوانی که چشم باز کردم کنارم بوده محبت نکنم؟ از علاقه شدیدی که به حیوانات دارم هم که بگذریم آیا این باغ منبع درآمد من است یا خیر؟ چطور می توانم با حیوانات بد رفتاری کنم؟ نوشته بودند حاضریم به حیوانات باغ وحش غذا بدهیم، من گفتم باغ وحش نیازی به کمک هیچ کس ندارد.

رستمی توضیح می دهد که باغ وحش دو سردخانه دارد با ظرفیت چند ده تنی گوشت و غذای حیوانات تأمین است.

از او می پرسم آیا شنیده که دوستان اران حیوانات می گویند نباید باغ وحش داشته باشیم و او این گونه توضیح می دهد: بله همیشه می گویند. تا قبل از تعطیل شدن مدارس روزها تا پنج مدرسه برای بازدید اینجا بودند. بهترین جایی است که بچه ها می توانند حیوانات را از نزدیک ببینند. مگر می شود این موجودات را در طبیعت دید؟ پس تکلیف نگهداری حیوانی که در اسارت به دنیا آمده چه می شود؟ نگه داریم تا بمیرد یا بفروسیم در طبیعت از بین برود؟ اگر باغ وحشی نباشد پدر باید فرزند را برای دین ببر ببرد تا اینکه

برای دیدن شیر ببرد آفریقا. باغ وحش ها علاوه بر نمایش، کارکرد آموزشی و علمی هم دارند. تعداد زیادی پایان نامه دانشجویی هر سال در این مجموعه تهیه می شود.

مدیر باغ وحش درباره میزان استقبال و مخاطب هم تأکید می کند: اگر علاقه شدید به حیوان نداشتهم و در باغ وحش رامی بستم به نفعم بود. باور کنید اگر باغ وحش را بفروشم و پولش را در بانک بگذارم، از هر نظر اسوده تر زندگی می کنم. نمی دانید سروکله دزدن از صبح تا شب با محیط زیست، دامپزشکی، رسانه ها، مردم، کارکنان و هزار مورد دیگر چقدر سخت است. رستمی درباره رفتار بازدید کنندگان هم می گوید: من اولین نفری هستم که هر روز وارد باغ وحش می شوم و به عنوان آخرین نفر هم خارج می شوم. مردم خیلی از جزئیات حیوانات می پرسند. دامپزشک مجموعه هم مدام به قفس ها سر می زند. اما این ها ارتباطی با بیماری و مرگ و میر حیوانات ندارد. مثلا عمر مفید ببر پانزده تا شانزده سال است و اکنون ببر باغ وحش ما هجده ساله شده و هر بار ممکن است شب بخوابد و صبح بیدار

نشود. این گناه من است؟ به خاطر مراقبت نکردن ماست؟ خیر این طور نیست. عمر مفید حیوان تمام شده. برخی صحبت ها به دلیل بی اطلاعی مردم است. برخی حیوانات در ۲۴ ساعت تا ۸ ساعت بیدار هستند و بقیه به خصوص در تیر و مرداد به دلیل گرمی هوا خواب هستند. آن وقت مردم اعتراض می کنند که به حیوان چیزی تزریق کردید؟ چرا بی حال و مریض است؟

او یادآور می شود: باغ وحش شیراز ۹۸ قلاده شیر دارد. من تا حالا یک بار نشنیدم بگویند یکی مرده. مگر می شود همه سالم و زنده باشند؟ اگر هم اتفاقی بیفتد صدای کسی در نمی آید اما خدا نکند اینجا یک بزرنده کوچک بمیرد آن وقت همه اینجا هستند.

دوربین های مدار بسته روی ستون ها رانشان می دهد: «محیط زیست از چهار سال پیش به همه این دوربین ها دسترسی دارد، در حالی که هیچ جای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. اگر اتفاقی برای حیوانی بیفتد می توانند در لحظه آن را ببینند، پس چرا وقتی مشکلی برای حیوانی پیش می آید، به ما فشار می آورند و از

سامان دهی اطراف باغ وحش تا پایان امسال

حاشیه باغ وحش را به صورت سواره طراحی کردیم و ضلع مقابلش را هم به پارکینگ اختصاص دادیم که فضای روباز برای پارک ۳۰۰ خودرو دارد. البته این فضای پارکینگ برای باغ وکیل آباد است که مراجعه کنندگان باغ وحش هم می توانند از آن استفاده کنند. خان محمدی ادامه می دهد: اکنون پروژه بهسازی پیاده رو و مسیر سواره در حال اجراست. همچنین با بانک سپه برای تعیین وضعیت پارکینگ خاکی مکاتبه کردیم که به دلیل مشکلات بودجه ای نتوانسته اند کاری انجام بدهند. غرفه ها غیر مجاز را هم به زودی پلمب خواهیم کرد. زمین آن مجاز و هم در مالکیت بانک است و در جلسه تأکید کردند که به عنوان پارکینگ به افراد اجاره داده اند نه فضای تجاری.

او درباره وضعیت دست فروشان هم یادآور می شود: قرار است سازمان پارک ها، غرفه هایی را برای سامان دهی دست فروشان ایجاد کند. اسب سوارها هم اگر در محدوده داخل پارکینگی که در اختیار آنان قرار خواهیم داد، فعالیت نکنند، آن ها را جمع آوری می کنیم؛ زیرا برنامه ما بر اساس استقرار نیست، بلکه مبنا جمع آوری است.

سامان دهی اوضاع با تکلیف بیرون باغ وحش وظیفه شهرداری منطقه ۹ است و پاسخگوی سؤالات ما علی خان محمدی، معاون فنی و اجرایی این منطقه. او می گوید: محدوده انتهایی وکیل آباد چند مشکل اساسی دارد. از وضعیت ناپسامان پارکینگ تا شلوغی بیش از حد و دسترسی نامناسب، خاکی بودن محدوده و وجود اسب سوارها و رمال ها. جلسات متعددی درباره این مشکلات با حوزه ترافیک، خدمات شهری و فضای سبز داشتیم و پروژه هایی داریم که در صورت تأمین است که به تأییدیه ترافیک و نهادهای نظامی نیاز دارد که آنجا مستقر هستند و به هر حال تأییدیه را گرفتیم. سامان دهی بخش غربی آن محدوده به طور کامل انجام شده است و بناس و ورودی پارکینگ کنونی را بیندیم و در فاصله ۱۰۰ متری محل آن را اصلاح کنیم. معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۹ اضافه می کند: باتوجه به نظریه سازمان ترافیک، معبر



سرو صداهای باغ وحش در حد مجاز است

کروش هنرمند، دامپزشک باغ وحش هم شیوه نظارت ها را تأیید می کند: رسیدگی ما با نظارت کامل چند دستگاه است. این شامل سازمان های بالادستی مثل دادستانی و سازمان بازرسی هم می شود. طبق پروتکل ها دستورالعمل ابلاغی سازمان بازرسی اجرا می شود و نظافت و درمان حیوانات کنترل می شود. همچنین با بیمارستان دامپزشکی خارج از مجموعه هم در ارتباط هستیم.

او یادآور می شود: مردم اطلاعی ندارند که هر سال عمر گربه سانان معادل هفت سال انسان است. یعنی عمر ببرهای باغ وحش ما معادل ۱۱۸ سال است پس مرگ آنان طبیعی است. تفاوت باغ وحش و مثلاً گاو داری همین است. شما نمی توانید یک گاو را تا دوازده سیزده سال، یعنی تا وقتی که برایتان فایده دارد، زنده نگهدارید و پس از آن قربانی اش کنید، اما این قانون درباره حیوانات نمایشی صادق نیست. شما باید بدانید تا عمر حیوان تمام شود. آن وقت بازدید کنندگان توقع دارند ببر سالمند مانند یک ببر یک ساله سر حال باشد و اگر مثل او نباشد می گویند حیوانات باغ وحش مریض هستند.

این دامپزشک اضافه می کند: به دلیل